

آیین تشیع در مصر و

دیپلماسی فرهنگی جمهوری اسلامی ایران

سیده مطهره حسینی*

**
سروش بهربر

چکیده

با اهمیت یافتن فعالیت‌های فرهنگی و برجسته شدن نقش فرهنگ در نظریه‌های سیاست خارجی و سیاست بین‌الملل و همچنین در کارکرد دستگاه‌های دیپلماتیک دولت‌ها، امروز مباحثی چون قدرت نرم و دیپلماسی فرهنگی به عنوان اساس و ساختار برنامه‌ریزی کوتاه‌مدت و بلندمدت کشورها مورد توجه قرار گرفته است. این پژوهش، بسترهای قدرت نرم و زمینه‌های دیپلماسی فرهنگی جمهوری اسلامی ایران را در مصر بررسی می‌کند. پس از پرداختن مقدماتی به تاریخ حضور شیعیان در مصر، فرهنگ تشیع در این کشور مطالعه می‌شود. سپس داده‌هایی از دسته‌های شیعیان مصر، تاریخ معاصر حضور شیعیان در مصر، وضعیت کنونی شیعیان مصر، شخصیت‌های همسو با تشیع در مصر و سازمان‌های شیعی در این کشور ارائه می‌شود. در چارچوب نظری مقاله، مفهوم قدرت نرم و منابع اصلی تأمین آن تعریف و تبیین و سپس سنجه‌های دیپلماسی فرهنگی نرم‌پایه (مبتنی بر قدرت نرم) معرفی می‌شود. پرسش اصلی این است که بنیادهای ایجاد روابط فرهنگی میان شیعیان مصر و ایران چیست و جمهوری اسلامی ایران از چه راهی می‌تواند رابطه‌ای پایا و استوار در منطقه با تکیه بر بسترهای پایای اجتماعی - فرهنگی پی‌ریزی کند؟ فرضیه مقاله «ایجاد رابطه‌ای استوار میان ایران و مصر را در گرو تدوین دیپلماسی جامع فرهنگی ایران می‌داند تا بتواند بسترهای اجتماعی - فرهنگی جامعه مصر را شناسایی کند و بر آن تأثیر بگذارد». بایسته‌ها و چالش‌هایی که در زمینه‌سازی برای سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران در مصر وجود دارد، آخرین بخش مقاله را شامل می‌شود.

* عضو هیأت علمی پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات اجتماعی جهاد دانشگاهی و دانشجوی دکتری جامعه‌شناسی سیاسی

دانشگاه تهران

** عضو هیأت علمی دانشگاه علوم انتظامی

مقدمه

جمهوری عربی مصر با جمعیتی نزدیک به ۸۰ میلیون نفر، از نظر گستردگی، موقعیت جغرافیایی و جمعیت و پیشرفت، مهم‌ترین کشور عربی به شمار می‌آید. مصر از نظر تاریخی از کشورهای کهن جهان است. حکومت فراعنه در این کشور به حدود ۶۰ سده پیش از میلاد باز می‌گردد. پس از آنان ایرانی‌ها،^۱ یونانی‌ها و اعراب بر این کشور حکومت کرده‌اند. فرهنگ مصر، فرهنگ اسلامی پرباری است و از قدیم دانشمندان و اندیشمندان بسیاری در الازهر، معروف‌ترین دانشگاه مصر، فعالیت کرده‌اند. مصر تنها کشور عربی است که اقتصاد آن در مقایسه با سایر کشورهای عربی و افریقایی پیشرفت چشم‌گیری داشته است. بیشتر جمعیت مصر کشاورزند و در دره یا دلتای نیل که تنها مناطق قابل کشاورزی مصرند، زندگی می‌کنند.

تاریخ مصر، به دلایلی چند، این کشور را مهد چالش‌ها و کانون رویدادهای تاریخ‌ساز کرده است. از جمله این رویدادها تمدن بزرگ پیش از اسلام، خلافت فاطمیان پس از اسلام و روی کار آمدن جمال عبدالناصر بوده است. تاریخ جدید مصر با ورود اسلام به این کشور و صدور آن از دروازه مصر به سرتاسر افریقا آغاز می‌شود. با روی کار آمدن سلسله‌های اموی و عباسی و تحت تعقیب قرار گرفتن اهل بیت(ع) و شیعیان آنان در حجاز و عراق، بسیاری از بزرگان سادات در جست‌وجوی پناهگاه به مصر که دور از دسترس حاکمیت مرکزی بغداد بود، مهاجرت کردند.^۲ بنابراین، جایگاه اهل بیت(ع) در مصر از سده آغازین اسلام استوار شد.^۳ با روی کار آمدن دولت‌های شیعی در مصر، به ویژه فاطمیان، جایگاه تشیع در این کشور ژرف‌تر شد، اما اشتباه‌ها و بی‌توجهی‌های فاطمیان و قدرت گرفتن ایوبیان در مصر^۴ و شمال افریقا^۵ باعث از میان رفتن میراث شیعی این

۱. حسن پیرنیا، *تاریخ باستان*، ج اول، تهران، ۱۳۶۲، ص ۴۷۸؛ محمود طاووسی، علیرضا هُربری نوبری و رحیم ولایتی، «بررسی تأثیر هنر مصر در دوره هخامنشیان براساس یافته‌های باستان‌شناسی»، فصلنامه *دانشکده ادبیات و علوم انسانی*، ش ۵۷ (۲)، زمستان ۱۳۸۵، ص ۱۹۳.

۲. مهدی جلیلی، «گرایش‌های شیعی در مصر تا میانه سده سوم هجری»، *مجله مطالعات اسلامی*، دانشکده الهیات و معارف اسلامی دانشگاه مشهد، ش ۵۵، بهار ۱۳۸۱، صص ۶۹-۶۸.

۳. سایت الحوار الدینی، «بازتاب انقلاب اسلامی ایران بر مصر»، ۲۱ بهمن ۱۳۸۷:

<http://www.alhiwaraldini.com/fa.php?page.2092A5989.html>

۴. عبدالله ناصری طاهری، *فاطمیان در مصر*، تهران: پژوهشکده حوزه و دانشگاه، ۱۳۷۹، ص ۶۵.

۵. محمدعلی چلونگر، *زمینه‌های پیدایش خلافت فاطمیان*، تهران: پژوهشکده حوزه و دانشگاه، ۱۳۸۱، ص ۸۸.

سرزمین و تعقیب و کشتار شیعیان شد.^۱ از آن هنگام تاکنون، شیعیان مصر در تقیه بوده‌اند یا زیر پرده اندیشه‌های صوفیانه زیسته‌اند. به گزارش یک روزنامه سلفی مصری، بسیاری از شیعیان مصر بر باورهای خود باقی مانده‌اند، اما اینک یا تقیه می‌کنند یا در ظاهر اظهار به مذهب تسنن کرده‌اند.^۲

شیعیان مصر

آمار رسمی دولتی یا آمار ارائه‌شده از سوی منابع مستقل درباره شمار شیعیان در دست نیست، با این حال، برخی رهبران شیعی، شمار شیعیان مصر را نزدیک به نیم میلیون نفر بیان می‌کنند. برخی منابع پلیس، شمار آنان را بیش از چند هزار نفر برآورد می‌کنند. برخی منابع شیعی نیز شیعیان مصر را از ۷۰۰ هزار تا یک میلیون نفر برآورد کرده‌اند. الدرینی، یکی از رهبران شیعه مصری، این تعداد را ۲/۵ میلیون نفر دانسته است.

بیشتر شیعیان در جنوب مصر و شمار زیادی از آنان در محله‌های طنطا و منصوره در دلتا در بخش شمالی پایتخت زندگی می‌کنند. شیعیان روزهای جمعه برای برپایی نماز در مسجد حضرت زینب در وسط قاهره گرد هم می‌آیند. در برخی شهرهای مصر، اقلیت‌های بزرگی از شیعیان زندگی می‌کنند که اسنا، ارفو، ارمنت و قفط (جنوب) از آن جمله‌اند. در اسوان بیشتر مردم شیعه‌اند.^۳ در مناطق کنار دریا در شمال مصر، اثری از شیعیان دیده نمی‌شود. شاید به این دلیل که اعراب در ابتدای ورود به مصر در این مناطق ساکن نشدند و هم اکنون نیز مردم این مناطق از نژادهای غیر عرب (بربر) هستند.^۴

در جنوب مصر در منطقه صعید به ویژه استان‌های قنا و اسوان گروهی از منسوبان به حضرت امام جعفر صادق(ع) به نام «جعافره» زندگی می‌کنند. تعداد جعافره در مصر به دو میلیون نفر

۱. محمد سهیل طقوش، دولت/یو بی ان، ترجمه عبدالله ناصری طاهری، تهران: پژوهشکده حوزه و دانشگاه، ۱۳۸۰، ص ۳۴.

۲. روزنامه المحرق، «گزارش پیرامون اوضاع شیعیان در مصر»، ش ۳۲۷/۸۵، ۱۰/۳۰/۱۹۹۵، ترجمه راینزی فرهنگی ایران در بیروت، ۱۳۷۴/۱۲/۹.

۳. محمدرضا رضوان طلب، مسلمانان در کشورهای فرانسه، زبان، دستیاران: سیدمجتبی طباطبایی و حسین رضوان طلب،

تهران: مجمع جهانی تقریب مذاهب اسلامی، ۱۴۲۷ ق - ۲۰۰۶ م، ص ۲۵۸.

۴. راینزی فرهنگی ایران در دوحه، قطر، «گزارش پیرامون درخواست یک نویسنده شیعه مصری (صالح وردانی) مبنی بر تشکیل شورایی برای شیعیان مصر»، ترجمه و بررسی مقاله‌ای در روزنامه الوطن قطر، ۱۳۷۵/۷/۳۰.

می‌رسد. اندیشه‌های آنان نزدیک به شیعه است و با اهل سنت همزیستی برادرانه دارند.^۱ در صفحات تاریخ آمده است شهرهای شیعه‌نشین منطقه صعید بارها ضد صلاح‌الدین، ممالیک و عثمانی‌ها به پا خاستند.

شماری از خاندان‌های شیعی مصری که اصالت ایرانی و عربی دارند، پیوسته در تقیه به سر می‌برند. آنان در واقعیت ذوب شده‌اند و باورهایشان قلب شده است و از تشیع چیزی جز نام ندارند. یکی از این خاندان‌های شیعی، خاندان بانو «راخله تحیه کاظم»، همسر جمال عبدالناصر است که هیچ دخالتی در امور سیاسی شیعیان نمی‌کنند و تشیع خود را چندان آشکار نمی‌سازند.^۲ نمونه دیگر، شیعیانی هستند که در برابر واقعیت موجود رویکرد منفی در پیش گرفته‌اند یا هم‌چون اعضای جمعیت آل البیت به علت حکم دادگاه مبنی بر باطل بودن حکم انحلال و مشروعیت ازسرگیری فعالیت‌هایشان، از ترس برخوردهای شدید دولت و سلفیان، سال‌های درازی است در سکوت به سر می‌برند. اینان بیم دارند که مبادا با دستگاه امنیتی کشور درگیر شوند و امیدوارند روزی گشایشی در کارها حاصل شود. برخی شیعیان نیز راهبردهایی دیگر برگزیده‌اند و با سلفی‌گری متظاهر به رهبانیت و انزوای خود را از جامعه جدا کرده‌اند. آنان به مطالعه فرهنگ گذشته به جای مطالعات فکری معاصر توجه نشان می‌دهند. نباید این واقعیت را از نظر دور داشت که بیشتر دسته‌های شیعی به رسوبات فکری و خیال‌های ذهنی خود رنگ تشیع داده‌اند و با کناره‌گیری از واقعیت زیر پوشش اندیشه انتظار امام غایب (عج) خود را از امور دنیایی و دینی کنار کشیده‌اند.^۳

فرهنگ تشیع در مصر

دین رسمی کشور مصر اسلام است و بیشتر مردم (۹۴ درصد) پیرو آن هستند. عمده مسلمانان مصر شافعی مذهب‌اند که نزدیک‌ترین مذهب اهل سنت به شیعه دوازده امامی است. درباره ویژگی‌های

۱. محسن پاک آیین، «اهل بیت: حلقه اتصال مردم ایران و مصر»، روزنامه ایران، ۱۴ بهمن ۱۳۸۲.

۲. رایزنی فرهنگی ایران در دوحه، پیشین.

۳. صالح وردانی، شیعه در مصر، از آغاز تا عصر امام خمینی، ترجمه عبدالحسین بینش، مؤسسه دایره المعارف فقه اسلامی، ۱۳۸۲، ص ۱۰۶.

مصریان، می‌توان گفت آنان نزدیک‌ترین افراد به اهل بیت(ع) و شیعه هستند.^۱ از این رو، برخی مصریان را «شیعیان سنی» نامیده‌اند و علت آن احترامی است که مردم این کشور به اهل بیت پیامبر(ص) می‌گذارند.^۲ محمد حسنین هیکل، روزنامه‌نگار معروف مصری و مشاور عبدالناصر، در این باره می‌گوید: «شما شیعیان به علت محبتی که به اهل بیت(ع) دارید، اسم حسن و حسین را بر اولاد خود می‌گذارید، ما هم همین طور هستیم، اما ما هر دو اسم را یک جا برای بچه‌های خود بر می‌گزینیم؛ یعنی نام آنان را حسنین می‌گذاریم.» امام علی(ع) نیز در نهج البلاغه در عهدنامه محمد بن ابوبکر درباره مردم مصر می‌فرماید: «تو را برای فرمانروایی به جایی می‌فرستم که نزدیک‌ترین افراد به من هستند. آنان اهل مصرند.»^۳

با وجود فعالیت ایوبیان برای از میان بردن آثار و نشانگان شیعیان، ریشه‌های فرهنگ شیعی در مصر هم‌چنان باقی مانده است. وجود این آیین‌ها نشان می‌دهد به رغم فشار، ترس و وحشت حاکم بر جامعه، روح تشیع در متن جامعه مصر پایدار مانده است. در ادامه به نمونه‌هایی از فرهنگ و آیین‌های شیعی مصر اشاره می‌شود:

۱. از جمله رسوم باقی‌مانده از تشیع در مصر، برگزاری مراسم عاشوراست. سوگواری موکب‌های حسینی در قاهره تا پایان دوره عثمانیان که به شیعیان آزادی اندکی داده بودند، به ویژه در محله‌ای که «الحسین» نامیده می‌شد، از سوی ایرانی‌تباران به چشم می‌خورد (به نقل از خطط توفیقیه). البته در پی اقدام صلاح‌الدین ایوبی که کوشید مراسم سوگواری را به مراسمی شادی‌بخش تغییر دهد، امروز مصری‌ها در بیشتر مناطق، بنا بر سنت اموی، محرم را به عنوان آغاز سال نو قمری جشن می‌گیرند.

۲. رسم دیگر مربوط به شب نیمه شعبان است که فرقه‌های صوفی آن را جشن می‌گیرند.

۳. جشن آغاز سال هجری که از ابتکارات فاطمیان است و هم‌چنان ادامه دارد.

۴. زادروز حضرت زینب (سلام الله علیه)، سالار شهیدان امام حسین(ع) و بانو نفیسه از نوادگان

۱. جلیلی، پیشین، صص ۸۷ - ۸۲.

۲. حسام احمد، «تشیع در مصر»، ماهنامه/خبر شیعیان (www.shiiteworld.com)، س ۳، ش ۲۸، اسفند ۱۳۸۳، ص ۱۶.

۳. مؤسسه اندیشه‌سازان نور، مجموعه اسناد مصر.

امام حسن(ع) در مصر هر ساله جشن گرفته می‌شود.

۵. رسم فانوس‌گیری در ماه رمضان و بازی کودکان در این ماه نیز از آیین‌های شیعی است که از مصر به سایر سرزمین‌ها راه یافته است.

۶. «سید» از نام‌های رایج در مصر است که برای احترام پیش از نام افراد نیز آورده می‌شود.

۷. نام‌های علی، حسن، حسین، فاطمه، زینب، رقیه و نفیسه از شایع‌ترین نام‌ها در این سرزمین است.

۸. مصری‌ها هنوز هم به علت حرام بودن گوشت خرگوش در مذهب تشیع آن را نمی‌خورند.

۹. نام‌های عایشه و عمر برای دشنام دادن هنوز هم میان عوام رایج است و برخی مردم ندانسته

آن را به کار می‌برند.^۱

تاریخ معاصر روابط شیعیان خاورمیانه با مصر

در سده اخیر مشهورترین تماس شیعیان ساکن فلات ایران و بین‌النهرین با مسلمانان آفریقا و مغرب عربی رخ داده است. دیگر اینکه سید جمال‌الدین اسدآبادی به مصر سفر کرد و در این سرزمین اقامت گزید. سید جمال یکی از بنیان‌گذاران جنبش‌های سلفی بود و شاگردان او از جمله بنیان‌گذاران و سران اخوان المسلمین شدند.^۲

یکی از سفرهای مهم شیعیان در عصر کنونی به مصر، حضور آیت‌الله سید جعفر آل کاشف الغطا به همراه گروهی از علمای شیعه عراق به دعوت رسمی روحانیون الازهر در ۱۳ مه ۱۹۶۵ برای شرکت در دومین کنفرانس مجمع پژوهش‌های اسلامی در قاهره بود. ایشان مورد استقبال مقامات و اندیشمندان مصری قرار گرفت و پیام‌شان به مناسبت عاشورای آن سال (۱۹۶۵) از رادیوی مصر پخش شد. ایشان در پورت سعید بر مزار شهدای مصری حاضر شد و استاندار پورت سعید به پاس حضور شیعیان عراق در کنار نیروهای مصری در جنگ سوم اعراب و اسرائیل، به ایشان مدال طلا داد. آیت‌الله کاشف الغطا از شهرهای مهم دیدار کرد. مقامات سیاسی، رئیس و مقامات علمی برجسته

۱. صادق رضانی گل‌افزایی (رئیس مجمع جهانی اهل‌البیت (ع) و مسئول شبکه ماهواره‌ای ثقلین)، «گفت‌وگو با نویسنده درباره شیعیان آفریقا»، ۱۳ بهمن ۱۳۸۷.

۲. فصلنامه *مطالعات آفریقا*، «نگاهی به چگونگی پیدایش و تشکیل جنبش اسلامی در مصر»، س ۱۲، ش ۱۵، بهار و تابستان ۱۳۸۶، ص ۳۵۴.

الازهر دعوت‌های گوناگونی برای ایشان ارسال کردند و با نشریات گوناگون مصری گفت‌وگو کرد. سید عبدالحسین شرف‌الدین لبنانی، تأثیرگذارترین مسافر شیعی سده کنونی به شمال آفریقا بود. او که از علمای نجف بود، در سال ۱۹۱۸ به میهن خود در جبل عامل لبنان بازگشت و در آنجا ساکن شد. سید شرف‌الدین در دهه ۱۹۱۰ در مبارزه با استعمار فرانسه شرکت کرد. او درباره تشیع و تسنن می‌گفت: «شیعه و سنی را از روز نخست، سیاست از هم دور کرد و اکنون باید سیاست (و مصالح سیاسی اسلام)، آنان را کنار هم گرد آورد.»^۱ سید شرف‌الدین با بزرگان اهل سنت در مصر مباحثه کرد که دستاورد آن نگارش کتاب بسیار معروف و پر مراجعه *المراجعات* است. این کتاب در سراسر آفریقا مورد خواست و رجوع شیعیان و علاقه‌مندان تشیع است. کتاب *المراجعات* شامل ۱۱۲ پرسش و پاسخ درباره مسائل گوناگون اختلافی میان دو مذهب است. فرقه سلفی این کتاب را محکوم کرد و اکنون در زمره کتب ممنوعه مصر قرار دارد. علامه شرف‌الدین کتاب *ابوهریره شیخ المضیره* را نیز نوشته بود که با اعتراض‌ها و پاسخ‌های گسترده اهل سنت روبه‌رو شد. برای نمونه، مصطفی السباعی به مطالبی که وی در نکوهش ابوهریره نوشته بود و نوشته‌های دیگر شیعیان عراق و ایرانی در بدگویی از ابوهریره و عایشه به شدت حمله کرد.^۲

نواب صفوی نیز در نیمه دهه ۱۳۵۰ ش به مصر رفت. او با استقبال گرم اخوان المسلمین روبه‌رو شد، به طوری که او را در زیارت بارگاه‌های اهل بیت (ع) همراهی کردند. نواب، جمال عبدالناصر را به علت دستگیری اعضای اخوان به شدت مورد حمله قرار داد.^۳

محمد جواد مغنیه که رئیس القضات دادگاه‌های جعفری لبنان بود، نخستین بار در سال ۱۹۶۳ از مصر دیدن کرد. او که از عالمان معروف در مصر و آفریقای مسلمان است، ردیه‌ای بر کتاب

۱. «فَرَّقَهُمَا السِّيَاسَةُ، فَلَتَجَمَّعَهُمَا السِّيَاسَةُ».

۲. مرضیه بهیمانی، «علامه شرف‌الدین، مبارز وحدت‌گرا»، مجله *اندیشه تقریب*، س اول، ش ۱، پاییز ۱۳۸۴؛ مرتضی بحرانی، «مصطفی سباعی»، در: اکبر علیخانی و همکاران، *اندیشه سیاسی در جهان اسلام (۲): از فروپاشی خلافت عثمانی، پژوهشکده علوم انسانی، فرهنگ و مطالعات اجتماعی جهاد دانشگاهی*، بهار ۱۳۸۲، ص ۴۶۷.

۳. سید هادی خسروشاهی، «نواب صفوی و رهبران اخوان المسلمین: نخستین گام‌ها در راه تقریب»، روزنامه *اطلاعات*، شنبه ۷ بهمن ۱۳۸۵.

الخطوط العریضه اثر محب‌الدین، خطیب مصری مخالف شیعیان نوشت.^۱ شیخ قمی نیز از علمای ایرانی بود که در راستای تقریب شیعه و سنی، سفرهای پی در پی به مصر کرد.

سید مرتضی رضوی در دهه‌های ۱۹۵۰ و ۱۹۷۰ برای گسترش اتحاد اسلامی با بزرگان و اندیشوران مصری دیدار کرد که در جریان آن، مواد کتاب مع الرجال / الفکر فی قاهره را گردآوری کرد. این کتاب گفت‌وگوی بی‌پرده درباره امور گوناگون اسلامی است که اندیشه و دیدگاه‌های اندیشمندان اسلامی را بیان می‌دارد. وی کتاب‌های زیر را در مصر چاپ کرد: تفسیر شبر، علی و مناوئوه، عبدالله ابن سبا و اساطیر اُخری، المتعه و اثرها فی الاصلاح الاجتماعی، وسائل الشیعه و المستدرکات‌ها، اصل الشیعه و اصولها، الوضو فی الکتاب و السنه و السجود علی التربه الحسینیه. سید رضوی کتابی نمی‌نوشت مگر آنکه یکی از بزرگان مصر بر آن مقدمه نوشته باشد. شیخ محمد عبدالمنعم خفاجی بر کتاب وسائل الشیعه، دکتر سلیمان دنیا بر کتاب شیعه و فنون اسلام و شیخ احمد حسن الباقوری بر کتاب المختصر النافع مقدمه نوشته است. سید رضوی در سال ۱۹۶۵ در دیدار با مدیر دارالکتب (کتابخانه ملی) قاهره درخواست کرد بخشی از دارالکتب به کتب شیعی اختصاص یابد. به دنبال آن، یک هیأت علمی در نجف اشرف مجموعه‌ای از کتاب‌های شیعی را به دارالکتب اهدا کرد.^۲

سید موسی صدر، آخرین سفر معروف شیعی به مصر را انجام داد. او مزار بزرگان شیعه را زیارت کرد و با شیوخ الازهر به بحث نشست. هم‌اکنون آیت‌الله محمد علی تسخیری، دبیرکل مجمع جهانی تقریب مذاهب اسلامی، در زمینه روابط حسنه شیعیان و اهل سنت بسیار پویاست و سفرهای پی در پی به آفریقا انجام می‌دهد.^۳ وی در این مسافرت‌ها بارها با علمای برجسته الازهر و سایر علمای مشهور مصر و کشورهای مسلمان آفریقایی و سران مملکتی دیدار و گفت‌وگو کرده است. هم‌چنین تنی چند از شیوخ الازهر و اندیشمندان مصری از جمله شیخ الفهام، شیخ الشرباصی و احمد امین، سفرهای زیادی به نجف و قم انجام داده‌اند. احمد امین به علت نگارش کتاب فجر الاسلام مورد

۱. المحرر، ۱۹۹۵.

۲. وردانی، پیشین، صص ۱۶۲ - ۱۶۰.

۳. خبرگزاری مهر، «اعتراض صوفیان به سخنان ضد شیعی رئیس اتحادیه جهانی علمای مسلمان»، ۱۳۸۷/۸/۲۰.

نکوهش شیعیان واقع شد. از جمله شیخ جعفر کاشف الغطا در کتاب *اصل الشیعه و اصولها* سخنان امین را رد کرده است. بعدها امین گفت که آگاهی کافی و منابع مکفی در اختیار نداشته است و افزون بر مطالعه کتب شیعی، به سرزمین‌های شیعیان سفر کرد. محمد حسنین هیکل، نویسنده سیاسی نیز در ۱۹۵۱ به ایران سفر و با آیت‌الله کاشانی دیدار کرد و کتاب *ایران فوق برکان* را در سال ۱۹۵۱ نوشت. او پس از انقلاب نیز به ایران آمد و با امام خمینی دیدار کرد و کتاب *مدافع آیت‌الله* را نوشت.^۱

در سال ۱۳۴۲ ش به دنبال قیام ۱۵ خرداد و بازداشت امام خمینی (ره)، حوزه‌های علمیه قم، مشهد، نجف، کربلا، کاظمین و حتی علمای لبنان با صدور اعلامیه‌ها و تلگراف‌هایی به روحانیت ایران، مراتب اعتراض خود را به این رفتارهای رژیم اعلام کردند. پشتیبانی از علما و روحانیون ایران و ابراز بیزاری از قتل‌عام مردم تنها شامل روحانیت شیعه نشد، بلکه علمای آگاه اهل سنت را هم به واکنش واداشت. شیخ محمود شلتوت، رئیس دانشگاه الازهر، در اعلامیه‌ای در سال ۱۳۴۲ از همه مسلمانان خواست از علمای مجاهد ایران که به جرم دفاع از حق زندانی شده‌اند، پشتیبانی کنند. او در این اعلامیه، از دستگیری علما و اهانت به آنان به عنوان «داغ ننگی بر پیشانی بشریت» نام برد. در این راستا وی همچنین تلگراف‌هایی به آیت‌الله حکیم، آیت‌الله میلانی و پاپ فرستاد.

شیخ محمود شلتوت که آبشخور این‌گونه رویدادها را حکومت استبدادی رژیم و شخص شاه می‌دید، در تلگراف شدیداللحنی به شاه، جایگاه والای روحانیان و پیشوایان دین را به او یادآور شد و از او خواست از تجاوز به حریم روحانیت و علمای اسلام که پاسداران راستین قوانین الهی‌اند، خودداری کند و بازداشت‌شدگان، از علما و مردم مسلمان را هر چه زودتر آزاد سازد. شلتوت تا پایان عمر به ارتباط خود با علما و روحانیت شیعه ایران و پشتیبانی از آنان ادامه داد.^۲

سازمان‌های شیعی در مصر

۱. مجمع تقریب مذاهب اسلامی: شصت سال پیش، شیخ محمد شلتوت و آیت‌الله بروجردی در

۱. /المحرر، پیشین، ۱۹۹۵.

۲. حسن شمس‌آبادی، «مواضع شیخ محمود شلتوت در قیام پانزده خرداد»، سایت مجمع جهانی تقریب مذاهب اسلامی، ۱۳۸۷/۷/۱۸.

اقدامی مشترک، مجمع تقریب مذاهب اسلامی را تشکیل دادند. دعوت جمعیت تقریب پس از ۱۹۴۶ در مصر آغاز شد و در رأس آن شیخ شلتوت و شیخ محمدتقی قمی قرار داشتند. شیخ حسن البناء، بنیان‌گذار و رهبر اخوان المسلمین، این جمعیت را تأیید می‌کرد. بنا می‌گفت که شیعه و سنی امتی یگانه‌اند. اخوان المسلمین نیز با این جمعیت همکاری داشت.^۱

علامه محمدتقی قمی با دلیل و استدلال نزد علمای الازهر رفت و از آنان خواست با همکاری هم جمعیت دارالتقريب را تأسیس کنند و آنان نیز دلایل ایشان را پذیرفتند و با این درخواست موافقت کردند. پس از آن، علامه محمدتقی قمی دارالتقريب مصر را بنا نهاد. از سال ۱۹۳۸ علامه قمی برای دعوت به سوی همبستگی و برادری به مصر برای دیدار محمد مصطفی مراغی، رئیس وقت الازهر، رفت و در نخستین دیدار دریافت که شیخ مراغی با اندیشه وحدت و همبستگی موافق است.^۲ ایشان شیخ مصطفی عبد الرزاق و شیخ عبدالمجید سلیم را وارد تشکیلات دارالتقريب کرد و خود به صورت غیررسمی در کنار و همراه دعوت وحدت قرار گرفت. عبدالمجید سلیم از «طلایه‌داران تقریب» بود که در این راه بسیار کوشید و شاگرد بزرگ او، شیخ محمود شلتوت، خدمات بسیار به تقریب مذاهب اسلامی کرد. سلیم با سید شرف‌الدین روابط نزدیکی داشت و با آیت‌الله بروجردی مکاتبه می‌کرد.^۳ در این دوره میان علمای شیعی و سنی رابطه برقرار شد. شیخ عبدالمجید سلیم نامه‌نگاری با علمای شیعی از جمله آیت‌الله العظمی بروجردی را آغاز کرد. شیخ محمود شلتوت نیز از روزی که به دارالتقريب پیوست تا پایان عمرش در کنار آن باقی ماند. علامه محمدتقی قمی در این راه پا به پای علمای بزرگ سنی و شیعه در راه آشتی و دوستی میان دو مذهب کوشید.^۴

۱. محمدعلی آذرشب، پیشینه تقریب، تاریخچه و مستندات دارالتقريب مذاهب اسلامی در قاهره و بررسی مجله آن (رساله الاسلام)، ترجمه رضا حمیدی، تهران: مجمع جهانی تقریب مذاهب اسلامی، ۱۳۸۳، ص ۱۸۰.

۲. عزالدین رضائزاد، «شیخ محمد مصطفی مراغی، جوان‌ترین مفتی تقریبی الازهر»، سایت مجمع جهانی تقریب مذاهب اسلامی، ۱۳۸۶/۱۰/۱.

۳. محمد عابدی میانجی و عبدالمجید سلیم، «مرزبان شریعت»، سایت مجمع جهانی تقریب مذاهب اسلامی، ۱۳۸۶/۸/۱۶.

۴. سایت مجمع جهانی تقریب مذاهب اسلامی، علامه محمدتقی قمی.

پیروزی انقلاب اسلامی و توقیف مجله رساله الاسلام که از سوی جمعیت تقریب منتشر می‌شد، به توقف کامل فعالیت‌های جمعیت تقریب انجامید. پس از انقلاب اسلامی، علمای الازهر نیز از تشیع ترسیدند. الازهر هر ساله کتاب‌های شیعی را در نمایشگاه کتاب قاهره گردآوری می‌کند و بسیاری از کتاب‌های شیعه را در فهرست سیاه قرار داده است. از جمله این کتاب‌ها می‌توان به موارد زیر اشاره کرد: الشیعه و الحاکمون اثر مغنیه، المراجعات اثر شیخ عبدالحسین شرف‌الدین، البیان فی تفسیر القرآن از آیت‌الله خویی، تفسیر المیزان علامه طباطبائی، نظام حقوق زن در اسلام از شهید مطهری و همه کتاب‌های امام خمینی. نظریات عالمانی که با شیعیان و جمعیت تقریب مخالف‌اند، به طور منظم در روزنامه‌ها و کتاب‌ها چاپ می‌شود. مصطفی السباعی، از اندیشمندان تأثیرگذار مصری، اعلام کرده بود: «ظاهراً علمای شیعی قصد تقریب بین مذاهب شیعه و سنی ندارند بلکه خواهان تقریب سنی به شیعه هستند تا آنان را شیعه کنند.»^۱

با وجود این، شمار عالمان خواهان رفتار منصفانه با شیعه، در الازهر کم نیستند. برای نمونه، شادروان شیخ محمد غزالی و شیخ یوسف قرضاوی در راه تقریب گام‌های بلندی برداشتند.^۲ غزالی^۳ از شیخ قمی، شیخ مغنیه و آیت‌الله کاشانی (به علت نقش ایشان در ملی شدن نفت) تمجید می‌کرد^۴ و آنان را «دوست خود» می‌نامید.

۲. جمعیت آل البيت: این جمعیت در سال ۱۹۷۳ در اوج مناسبات ایران پهلوی و مصر، به عنوان سخنگوی اصلی شیعیان مصر، اعلام موجودیت کرد. در آغاز عنوان شیعه را آشکارا نداشت و اهدافش کمک‌های اجتماعی، خدمات فرهنگی، علمی و دینی بود. سید طالب الرفاعی، از علمای

۱. بحرانی، پیشین، ص ۴۶۷.

۲. همان، ص ۵۰۹.

۳. شیخ یوسف قرضاوی، مفتی اعظم مصر که در قطر ساکن است و میان اهل سنت بسیار بزرگ داشته می‌شود، شاگرد محمد غزالی است و کتابی مشهور با نام *الشیخ الغزالی كما عرفته (رحله نصف قرن)* (چاپ قاهره، دارالشروق، ۱۴۲۰ ق ۲۰۰۰م) نوشته است. این کتاب، اتوبیوگرافی خود شیخ قرضاوی و زندگی‌نامه شیخ غزالی در دوران دانشجویی قرضاوی است. شیخ یوسف قرضاوی از علمایی است که پیش از موضع‌گیری‌های اخیر خود، به نزدیکی به جمعیت تقریب مذاهب و پیش گرفتن رویکردهای میانه‌رو شناخته می‌شد.

۴. مرتضی بحرانی، «محمد غزالی» در: اکبر علیخانی و همکاران، *اندیشه سیاسی در جهان اسلام (۲)*: از فروپاشی خلافت عثمانی، پژوهشکده علوم انسانی، فرهنگ و مطالعات اجتماعی جهاد دانشگاهی، بهار ۱۳۸۴، ص ۴۶۷.

عراق، در این جمعیت بسیار فعال بود و ریاست آن را برعهده داشت. جمعیت آل البیت در راستای فعالیت‌های تقریب عمل می‌کرد و مسلمانان سنی هم در آن عضو بودند. چاپ و پخش کتاب‌هایی چون *المراجعات*، *علی(ع) الاسوه و التشیع ظاهرة طبيعية فی اطار الدعوة الاسلامیة* حساسیت‌های زیادی علیه این جمعیت برانگیخت.^۱ با پیروزی انقلاب اسلامی در سال ۱۹۷۹ و احساس خطر شدید دولت مصر از شیعیان، یکباره دستور توقف همه فعالیت‌های جمعیت تقریب بین مذاهب و جمعیت آل بیت از جانب دولت صادر شد. این دستور، فشارهای امنیتی شدیدی بر شیعیان وارد آورد و در نهایت موجب تعطیلی فعالیت نهادهای شیعی از جمله جمعیت آل بیت(ع) شد. پس از آن هیچ گروه اسلامی شیعه در مصر شکل نگرفت. همچنین در سال ۱۹۸۷ که سفارت ایران در مصر تعطیل شد، فشارها بر دکتر ابراهیم دسوقی شتا افزایش یافت و در سال ۱۹۸۸ نیز بر بحرینی‌ها، کویتی‌ها، عراقی‌ها و سایر شیعیان با این اتهام که شما می‌خواهید «حزب‌الله» تشکیل دهید، فشارهای بیشتری وارد آمد.^۲ پس از آن، بسیاری از شیعیان مصری کوشیده‌اند هر گونه ارتباط با جمهوری اسلامی را نفی کنند. برای نمونه، احمد هلال، روان‌پزشکی که به مذهب تشیع گرویده است، باور دارد «تا هنگامی که دولت پشتیبانی خود را از آزادی بیان اعلام می‌دارد، شیعیان حق دارند شورایی داشته باشند که نمایندگی آنان را به عهده گیرد.» هلال ضمن نفی هرگونه رابطه با تهران علاقه خود را به انقلاب ایران پنهان نمی‌کند و علت آن را افزون بر پیروزی انقلاب ایران بر غرب، شایستگی این کشور در رویارویی با غرب می‌داند.^۳

۳. شورای عالی پشتیبانی از اهل بیت(ع): این مؤسسه شیعی به تازگی با دبیری محمد الدیرینی فعالیت‌های خود را در مصر آغاز کرده است.

۱. وردانی، پیشین، صص ۲۰۳ - ۲۰۱.

۲. المحرر، پیشین، ۱۹۹۵.

۳. الوطن، ۱۳۷۵.

الزامات دیپلماسی فرهنگی جمهوری اسلامی ایران

۱. قدرت نرم

انقلاب اطلاعاتی با ایجاد تغییر در ماهیت قدرت، قدرت نرم را تقویت کرد. جوزف نای به عنوان یکی از نخستین نظریه پردازان روابط بین الملل، موضوع «جنگ و قدرت نرم» را طرح کرد. مقاله‌هایی که وی در این زمینه نوشته، هم اکنون مورد استناد همه کسانی است که درباره جنگ نرم سخن می‌گویند. وی می‌گفت اگر امریکا بخواهد همچنان نیرومند باقی بماند، باید به ابعاد و جزئیات قدرت نرم توجه کند.^۱

قدرت نرم عبارت است از توانایی شکل‌دهی به ترجیحات دیگران؛ به عبارت دیگر، جنس قدرت نرم از نوع اقناع و ماده اصلی قدرت سخت از مقوله وادارسازی داوطلبانه و اجبار ناآگاهانه سوژه‌هاست. در قدرت نرم، رهبری به صدور فرامین خلاصه نمی‌شود، بلکه به جذب دیگران برای انجام آنچه شما می‌خواهید، معطوف شده است.^۲ قدرت نرم، رفتار همراه با جذابیتی است که قابل رویت اما غیرمحسوس است. قدرت نرم از نظر نای و دیگران، بر خلاف قدرت سخت، نه مبتنی بر زور است نه مبتنی بر پول. در قدرت نرم، روی ذهنیت‌ها سرمایه‌گذاری و از جذابیت برای ایجاد اشتراک بین ارزش‌ها و از الزام و تعهد همکاری برای رسیدن به همه خواست‌ها بهره‌گیری می‌شود. قدرت نرم، به آن دسته از قابلیت‌ها و توانایی‌های نهادهای یک کشور اطلاق می‌شود که با کاربرد ابزارهایی چون فرهنگ، آرمان‌ها و ارزش‌های اخلاقی به صورت غیرمستقیم بر منافع یا رفتارهای سایر افراد و کشورها تأثیر می‌گذارند.

قدرت نرم و سخت به یکدیگر مرتبط‌اند، اما همسان نیستند. ساموئل هانتینگتون معتقد است موفقیت مادی، فرهنگ و ایدئولوژی را جذاب می‌سازد و شک و تردید درونی و بحران هویتی را کاهش می‌دهد. وی در جایی دیگر می‌نویسد: «قدرت نرم تنها زمانی قدرت به شمار می‌آید که

1. Joseph S. Nye, "Limits of American Power", *Political Science Quarterly*, Vol. 117, No. 4, 2002, PP. 545-559.

۲. مسعود سلطانی‌فر، «قدرت نرم و رسانه‌ها»، ۲۰ اسفند ۱۳۸۵:

اساس قدرت سخت باشد.^۱ از نظر نای، قدرت اقتصادی و قدرت نظامی هر دو از مظاهر «قدرت فرماندهی سخت» هستند. قدرت سخت می‌تواند با تهدید (چماق) یا پاداش (هویج) اعمال شود. اما راه غیرمستقیم و مؤثرتری نیز برای اعمال قدرت وجود دارد. هر دولت و کشوری می‌تواند در دنیای سیاست به دستاوردهای ارزشمندی برسد که کشورهای دیگر، خواسته یا ناخواسته از آن پیروی کنند، ارزش‌هایش را بپذیرند، از نهادها و ساختار آن تقلید کنند و آرزوی رسیدن به سطوح آزادی و رفاه آن کشور را داشته باشند. بر این مبنا، به باور نای، اصول کلی سیاست باید به گونه‌ای طراحی شوند که دولت‌ها و جوامع دیگر را «جذب کنند».^۲ سلاح اقتصاد، ساختار این برنامه کلی را تشکیل می‌دهد، سیاست سازمان‌دهنده آن و قدرت فرهنگی و تمدنی، پشتوانه آن است.

آنچه نای، به تأسی از هانتینگتون و سایر نظریه‌پردازانی که فرهنگ را زیربنای روابط تمدنی می‌دانند، قدرت نرم می‌نامد، از سوی یکی دیگر از نظریه‌پردازان مشهور قدرت، با عنوان «نگرش رادیکال به قدرت» نام گرفته است. استیون لوکس قدرت را در سه وجه هابزی، ماکیاولیستی و وجه سومی که آن را «نگرش رادیکال» می‌نامد (کگل، ۱۳۸۶)، تقسیم‌بندی می‌کند. وجه هابزی، نگرشی یکسونگرانه و یکجانبه به قدرت است. در این نگرش، موضوعات قدرت (افراد، سازمان‌ها و...) به دسته‌های دوتایی (اطاعت‌کننده و اطاعت‌شونده، حاکم و محکوم، محق و غیرمحق و...) تقسیم می‌شوند. در نگرش ماکیاولیستی، میان این دسته‌بندی‌های دوتایی گونه‌ای گفت‌وگو ناپیدا و ناآشکار در جریان است که اطاعت‌شونده و حکومت‌شونده را درباره مبانی و لزوم اطاعت قانع می‌کند.

وجوه سه‌گانه قدرت لوکس، به شکلی مختصر و مفید توسط «اندی گریمز» چنین بیان شده است: «آنچه نگرش رادیکال استفان لوکس^۳ نامیده می‌شود، درک وی از قدرت در سه بعد زیر است: رفتاری (ملموس)، ساختاری (نسبتاً پنهان) و ایدئولوژیک (پنهان). بعد سوم، با محدوده‌های

۱. ژوزف نای، «قدرت نرم و مدیریت منازعه در عصر اطلاعات»، ترجمه حسن هادی، پژوهشکده راهبردی، گزارش پژوهشی، ش ۵۲۰، ۱۳۸۲، ص ۹.

۲. ناصر پورحسن، شناخت راهبرد جنگ نرم/امریکا علیه جمهوری اسلامی ایران، تهران: سازمان عقیدتی - سیاسی ناجا، معاونت سیاسی، ۱۳۸۶، ص ۸.

کمتر ملموس خود، بیشترین تأثیر و کنترل را بر سازمان‌ها دارد.^۱ مثال بعد سوم قدرت را در سیره عملی امام خمینی(ره) می‌توان مشاهده کرد. قدرت امام بنیادین، نادیدنی و نامشهود و مبتنی بر اطاعت تام و تمام و اراده معطوف به ارزش بود.

در گفتمان سوم - نگرش رادیکال استفان لوکس به قدرت - قدرت دیدنی نیست و نمی‌توان آن را به صورت ملموس مشاهده و حس کرد. قدرت واقعی در پس پرده‌های پندارهای ظاهری وجود دارد و به همین دلیل، قدرت واقعی مبتنی بر سخت‌افزار نیست. قدرت نرم مبتنی بر اغواست و در زمان و مکانی وجود دارد که کسی به ساختار قدرت تردید نکند و همین ماهیت نرم‌افزاری و انتزاعی، نشان‌دهنده قدرتی است که بر فرد اعمال شده است. در اینجا نگرش لوکس - و به تبعیت از او، استوارت کلگ - به قدرت، نگاهی فوکویی است. میشل فوکو بر این باور بود که قدرت نرم، با گونه‌ای اجبار (غیرمستقیم) که سخت‌بینی درون آن نهفته و پنهان است، اعمال می‌شود. از نظر او، بیشتر اشکال قدرت، نمی‌توانند کارکرد مؤثر و پویای قدرت نرم را داشته باشند. قدرت نرم نه زور است نه پول. در قدرت نرم، روی ذهنیت‌ها سرمایه‌گذاری می‌شود و از جذابیت برای ایجاد اشتراک میان ارزش‌ها و از الزام و وظیفه همکاری برای رسیدن به همه خواست‌ها سود می‌جوید. قدرت نرم به آن دسته از قابلیت‌ها و توانایی‌ها اطلاق می‌شود که با به کارگیری ابزارهایی چون فرهنگ، آرمان یا ارزش‌های اخلاقی به صورت غیرمستقیم بر منافع یا رفتارهای دیگران اثر می‌گذارد. قدرت در پروسه‌ای تعیین‌شده اعمال، اجرا و جابه‌جا می‌شود، اما قدرت نرم روند اجرای خود را هر چه پیش می‌رود، می‌سازد. هدف قدرت نرم تأثیرگذاری بر افکار عمومی خارج و داخل کشور است.^۲ قدرت کیفی‌دهنده و اجبارآمیز که در برابر قدرت نرم قرار دارد، همان لویاتان هابز است. قدرت پاداش‌دهنده بر گنج و ثروت سیطره دارد و اقناع‌سازی بیشتر از راه تصویب‌نامه، قانون [و] دستورالعمل صورت می‌گیرد.^۳

1. Andy Grimes, (reviewer), Handbook of Organization Study, Stewart Clegg, Cynthia Hardy, and Walter Nord, Eds. Thousand Oaks, CA: Sage Publications, 1966, P. 4.

۲. منوچهر محمدی، «منابع قدرت در جمهوری اسلامی ایران»، فصلنامه سیاست خارجی، س ۲۲، ش ۲، تابستان ۱۳۸۷، صص ۲۲۷ - ۲۲۶.

۳. قدیر نصری، روش و نظریه در امنیت پژوهی، تهران: پژوهشکده مطالعات راهبردی، ۱۳۸۳، ص ۶.

۲. منابع قدرت نرم

- اعتبار، منبع اصلی قدرت نرم به شمار می‌رود. هر روز بیش از دیروز، شهرت از اهمیت بیشتری برخوردار می‌شود و رقابت سیاسی بر سر ایجاد یا از میان بردن اعتبار انجام می‌گیرد. جوامع عمدتاً به دنبال افراد معتبرند و در مقابل، اعتبار کسب‌شده نیز موجب تقویت جامعه می‌شود. هنگامی فرهنگ یک کشور قدرت نرم به شمار می‌آید که آن کشور دارای اعتبار مالی در عرصه بین‌المللی باشد. با این حال، کارایی دیپلماسی عمومی و دیپلماسی فرهنگی با اندیشه‌هایی ارزیابی می‌شود که با هزینه کردن پول دگرگون نشده باشند.^۱

- پیشینه تاریخی، از جمله اظهار به داشتن الگوی دین‌داری و اصول‌گرایی که مقبول پیروان ادیان است یا آزادی و دموکراسی که مقبول طبقات متوسط است.

- نظام آموزشی - پژوهشی نیرومند در جامعه‌پذیری بهینه و ارائه الگوی مورد پسند یک جامعه به سایر جوامع نقشی اساسی دارد. برای نمونه، سالانه نزدیک به نیم میلیون دانشجوی و دانش‌آموز از سراسر جهان برای تحصیل به آمریکا می‌روند و به این ترتیب، فرهنگ علمی و ارزش‌های اخلاقی آمریکا یا شیوه زندگی آمریکایی^۲ در همه جای زمین شناخته می‌شود و هوادارانی پیدا می‌کند.^۳

- منابع ارزشی و اخلاقی: قدرت نرم بر توان شکل‌دهی به ترجیحات و ارزش‌های دیگران استوار است. این توان با مقوله‌های نامحسوس و ناملموس مانند جاذبه‌های شخصیتی، فرهنگی، ارزش‌ها و نهادهای سیاسی و سیاست‌های جذاب که مشروع و اخلاقی تلقی می‌شوند، مرتبط است. اگر یک کشور ارزش‌هایی ارائه کند که دیگران خواهان پیروی از آن باشند، برای رهبری نیاز به هزینه کمتری خواهد داشت.^۴

۱. نای، پیشین، ص ۱۴.

2. American Life Style

۳. همان، ص ۹ و هم‌چنین:

Samuel P. Huntington, "The Clash of Civilization", *Islamic Magazine/Global Viewpoint*, Distributed by tribune Media Services, INC, 11/06/2006.

۴. فاطمه سلیمانی پورلک، «نرم‌افزارگرایی در سیاست خاورمیانه‌ای آمریکا»، فصلنامه *مطالعات راهبردی*، س ۵، ش ۱۵، بهار ۱۳۸۶، صص ۸۶ - ۸۴.

صادرات فرهنگی؛^۱

ارزش‌های سیاسی که در داخل و خارج کشور مطابق انتظارات و سلیقه‌های همگان طراحی شده است و سیاست‌های خارجی یک دولت، به شرطی که مشروع و اخلاقی تلقی شود.^۲

دیپلماسی عمومی به عنوان یک سلاح نرم‌افزاری نقشی مهم در شکست رقبا و دشمنان امریکا پس از جنگ دوم جهانی داشته و اکنون به عنوان بخشی از راهبردهای چندگانه امریکا ظاهر شده و خاورمیانه را هدف قرار داده است.^۳ دیپلماسی فرهنگ پایه به معنای جنگ عقیدتی نیز به کار رفته است. مارگارت تات ویلر، از مسئولان پیشین دیپلماسی عمومی امریکا، می‌گوید: «دیپلماسی عمومی را سلاح نرم‌افزاری می‌دانیم.»^۴

نفوذ در سازمان‌های بین‌المللی به ویژه سازمان‌های اقتصادی و سیاسی و ارائه خط‌مشی‌های متناسب با منافع خود در این سازمان‌ها؛

نفوذ در سازمان‌های منطقه‌ای و فرامنطقه‌ای نیرومند.^۵

منابع قدرت نرم با طیفی از رفتارهای متقاعدکننده همراه است، در حالی که منبع قدرت سخت، مبتنی بر رفتارهای فرماندهی و اطاعت‌پذیری است.^۶ تحقق اهداف این منابع به معنای گام گذاشتن در مسیر تحقق اهداف قدرت (به طور کلی) بدون بهره‌گیری از ابزارهای قدرت سخت است. رسیدن، بهره‌مندی و در اختیار داشتن قدرت نرم از راه به کارگیری کانال‌های چندگانه ارتباط داخلی و خارجی، نزدیک کردن سنت‌ها و ایده‌های فرهنگی، اجتماعی و سیاسی بر هنجارهای جهانی، حرکتی آرام، پراکنده و مدام برای تسخیر افکار عمومی توسط رسانه‌های همراه و همگام با مردم، ایجاد گفتمان‌های فرهنگی و خردورزانه در سطح جهان، افزایش آگاهی‌ها و اعتماد به مردم، تهیه و پخش برنامه‌های فرهنگی که اندیشه جهانی‌شده محلی شدن را بازتاب دهد، و ایجاد همکاری‌های فرهنگی

۱. نای، پیشین، ص ۹.

۲. سلیمانی پورلک، پیشین، ص ۸۶.

۳. پورحسن، پیشین، ص ۹.

۴. به نقل از پورحسن، همان.

۵. نای، پیشین، صص ۱۱ - ۱۰.

۶. سلیمانی پورلک، پیشین، ص ۸۶.

با هر ابزاری امکان‌پذیر است.^۱

سیاست نرم‌افزارانه، قدرت نرم، امنیت نرم و مفاهیم دیگر از این قبیل، از سوی نظریه‌پردازان واقع‌گرا و نو واقع‌گرا در حوزه روابط بین‌الملل مطرح شده‌اند. پس از آنکه سازه‌انگاری^۲ از درون نو واقع‌گرایی زاده شد، تحولی در نظریه‌های روابط بین‌الملل پدید آمد. با کوشش نظریه‌پردازان سازه‌انگار، مفهوم فرهنگ از نو در عرصه بین‌الملل بازیابی شد.^۳

سازه‌انگاران قدرت را تنها در عناصر مادی نمی‌بینند و بر تأثیر و قدرت ایده‌ها و اندیشه‌ها نیز تأکید می‌کنند. آنان امیدوارند با وارد کردن ساختارها، بازیگران، فرهنگ‌ها، سودها و اندیشه‌ها در عرصه بین‌الملل، الگوهای رفتاری بازیگران بین‌المللی را بهتر تحلیل یا پیش‌بینی کنند^۴ یا در صورت لزوم بسازند. از این رو، برای ساختن روابط خارجی نوین و ساختارمند پیشنهاد می‌کنند به مبانی فرهنگی و ساختارهای هویتی کشورها توجه شود. بر پایه نظریه سازه‌گرایی، عوامل ذهنی و معنایی به همان اندازه عوامل مادی و ساختاری در سیاست خارجی نقش دارند.

سازه‌انگاران به تأثیر فرهنگ بر سیاست خارجی کشورها واقف بودند. فرهنگ از سه جهت بر سیاست خارجی اثر می‌گذارد: نخست، تأثیر مستقیم بدین معنا که فرهنگ موجب پیدایش هویت ملی کشورها می‌شود و این هویت ملی نیز سیاست خارجی کشور را شکل می‌دهد و به آن جهت می‌بخشد. دوم، تأثیر فرهنگ بر تصمیم‌گیرندگان سیاست خارجی که ذهنیت آنان را از طریق دین، آموزش آداب و به طور کلی، حضور در جامعه شکل می‌دهد. سوم، تأثیر نهادی فرهنگ؛ بدین معنا که نوعی رابطه ارگانیکی میان نهادها، سازمان‌های فرهنگی و دستگاه سیاست خارجی وجود دارد.^۵ سازه‌انگاران به هر سه بعد گفته‌شده توجه دارند. آنان فرهنگ را به عنوان بستر تعریف و اجرای سیاست خارجی مورد توجه

۱. محمدی، پیشین، ص ۲۲۷.

2. Consructivism

3. Yosef Lapid and Fredrich V. Kratochvil, (eds), *The Return of Culture and Identity in IRThoery*, Roulter, Colo: Lynne Reinner, 1993, P. 3.

۴. علی عبدالله خانی، *نظریه‌ای بر امنیت، مقدمه‌ای بر طرح‌ریزی دکترین امنیت ملی*، تهران: مؤسسه فرهنگی مطالعات ابرار معاصر، چاپ سوم، ۱۳۸۳، صص ۱۸۷ - ۱۸۶.

۵. احمد نقیب‌زاده، «سیاست دفاعی و امنیتی فرانسه پس از حادثه ۱۱ سپتامبر، رویکرد نرم»، همشهری دیپلماتیک، س ۳، ۲۰ ش ۲۰، نیمه آذر ۱۳۸۶، صص ۶۴۴ - ۶۴۲.

قرار داده‌اند و تأثیر ساختار و نهادهای فرهنگی را مورد توجه قرار می‌دهند.

از نظر سازه‌نگاران، امروز دوران سیاست‌های فرهنگی و اندیشه‌گراست. در این سیاست‌ها، ضمن توجه به نقش نسبتاً برابر بازیگران غیردولتی، بر نقش اطلاعات دارای قدرت نرم^۱ در بیان باورها، ارزش‌ها، هنجارها و اصول از راه انواع وسایل ارتباط جمعی تکیه می‌شود. همین ویژگی‌ها سیاست خارجی فرهنگی و اندیشه‌گرا را از واقع‌گرایی سیاسی جدا می‌سازد که بر وجود مادی قدرت تأکید می‌کند و دولت‌ها را تنها بازیگران نظم جهانی می‌بیند. اساس این تمایز آن است که سیاست فرهنگی اندیشه‌گرا و انسان‌گرا رشد روزافزون آگاهی را به عنوان اساس برتر قدرت و راهبرد اصلی خود در پیش می‌گیرد. این راهی است که واقع‌گرایی سیاسی و بین‌المللی‌گرایی نمی‌توانند آن را دنبال کنند.^۲

۳. سیاست خارجی مبتنی بر قدرت نرم و شکل‌گیری دیپلماسی فرهنگی

در دنیای امروز با توجه به تمرکززدایی از دیپلماسی به واسطه بازیگران غیردولتی، لازم است نظریه‌های دیپلماسی فرهنگی از جهت تأثیر و چیرگی فرهنگ بر مؤلفه‌های قدرت و امنیت که محصول ترکیب امکانات سرمایه‌داری و فناوری با رسانه‌های نوین است، مورد توجه قرار گیرد. دیپلماسی فرهنگی یکی از ابزارهای دیپلماسی عمومی است که حکومت‌ها برای نوسازی منابع سیاست خارجی از آن بهره می‌برند تا بیش از حکومت کشورهای دیگر، مردم آن کشورها را جذب کنند. دیپلماسی فرهنگی درصدد است روابط بهتری را با کشورهای دیگر پدید آورد یا دست‌کم در پدید آوردن بستر مورد پسند دولت‌ها بکوشد که در آن سایر حوزه‌های سیاست، مانند بازرگانی و امور فرهنگی، ممکن است بیشترین رشد را داشته باشند.^۳ اکنون دیپلماسی فرهنگی با قدرت نرم‌افزارانه خود پاسخگوی خواست‌های سیاست خارجی کشورهاست. قدرت نرم دیگران را به پیروی و موافقت با

1. Soft Power Information

۲. دیوید رانفلت و جان آرکیلا، «ضرورت تحول اطلاعاتی و ارتباطی در قلمرو دیپلماسی»، ترجمه حمیدرضا انوری، فصلنامه فرهنگ و دیپلماسی، تهران: اداره کل هماهنگی‌های امور فرهنگی وزارت خارجه، س اول، ش ۲ و ۳، زمستان ۱۳۸۰ و بهار ۱۳۸۱، صص ۱۷۶ - ۱۷۴.

۳. جولی ریوز، فرهنگ و روابط بین‌الملل، ترجمه محسن بیات، تهران: پژوهشکده مطالعات فرهنگی و اجتماعی وزارت علوم تحقیقات و فناوری، ۱۳۸۷، ص ۱۴۹.

هنجارها و نهادهای دلخواه متقاعد می‌کند و می‌تواند باورهای یک فرد، گروه یا جامعه را جذاب نشان دهد یا راه را به گونه‌ای طراحی کند که اولویت‌ها و آرمان‌های افراد را دگرگون سازد.^۱

جولی ریوز بر تفاوت میان «دیپلماسی فرهنگی» و «روابط فرهنگی» تأکید می‌کند.^۲ روابط فرهنگی با تکیه بر افراد و نهادهای غیردولتی یا نیمه‌دولتی شکل می‌گیرد. در حالی که دیپلماسی فرهنگی فرایندی قانونمند، تعریف‌شده، سیاسی، دولتی و ساختاری است. راهکار بهینه در ساخت نظری دیپلماسی فرهنگی، در آویختن به منطق تکثرگرایی و بهره بردن از دیدگاه گوناگون در حوزه بین‌الملل است. از یک سو، همان‌گونه که از عنوان دیپلماسی برمی‌آید، نباید از نقش دولت‌ها به عنوان بازیگران اصلی روابط بین‌الملل چشم پوشید. از سوی دیگر، با توجه به نقش فرهنگ به عنوان عاملی کارکردی و نیز با اعتراف به پیدایی قدرت نرم یعنی توانایی دستیابی به نتیجه خوشایند در صحنه روابط بین‌الملل با ایجاد رغبت و نه سخت‌گیری و فشار،^۳ دیپلماسی فرهنگی ابزاری کارآمد و قابل انعطاف در سیاست خارجی، زمینه‌ساز بهبود سطح مناسبات میان دولت‌ها و در نتیجه، افزایش تفاهم میان ملت‌ها و پدید آمدن صلح و استواری بین‌المللی است. این راهکار مهم از راه گسترش مبادله‌های فرهنگی - هنری، توسعه همکاری‌های علمی - آموزشی، تعامل نخبگان جوامع، آموزش زبان، رفع موانع زبانی و... بسترهای مناسب درک جوامع بشری از یکدیگر را فراهم می‌آورد. امروز با ناکارآمدی راهکارهای الزاماً «قدرت‌محور» در حل چالش‌ها و مناقشه‌های جهانی و برقراری امنیت ملی، نیاز به استفاده از این پدیده، بیش از پیش میان دولت‌ها احساس می‌شود.^۴

روابط ایران و مصر

پس از پیروزی انقلاب اسلامی در ایران، اخوان المسلمین و جریان‌های حاکم بر مصر یعنی ناصریسم، سوسیالیسم و ناسیونالیسم عربی که با جنبش اسلامی ایران در تعامل بودند، به این

۱. رانفلت و آرکیلا، پیشین، ص ۱۸۴.

۲. ریوز، پیشین، ص ۸۷.

۳. رانفلت و آرکیلا، پیشین، ص ۱۸۴.

۴. رضا حقیقی، «دیپلماسی فرهنگی از دریچه نو اشاعه‌گرایی: تأثیرات فناوری اطلاعات بر دیپلماسی فرهنگی»، فصلنامه سیاست خارجی، س ۲۳، ش ۲، تابستان ۱۳۸۸، ص ۳۴۳.

رویداد خوشامد گفتند.^۱ در تحلیل رویکرد اخوان المسلمین به انقلاب اسلامی ایران، باید به این نکته توجه کنیم که این جماعت، همواره رویه میانه در برابر شیعه داشته و برافروختن آتش اختلاف‌های مذهبی میان شیعه و سنی را به شدت محکوم کرده است. اگرچه این جماعت وجود اختلاف‌های آشکار میان دو مذهب را می‌پذیرد، بارها اعلام کرده است این اختلاف‌ها ماهیتی ثانوی دارند. اخوان المسلمین در سال ۱۹۷۹ کتابی با نام *خمینی‌آلترناتیو اسلامی* به قلم فتحی عبدالعزیز چاپ کرد. در این کتاب از شیوه امام خمینی(ره) و انقلاب اسلامی به عنوان راهکاری برای نظام‌های وابسته یاد شده است. فتحی عبدالعزیز می‌نویسد: «انقلاب [امام] خمینی، انقلاب فرقه‌ای اسلامی علیه فرقه‌ای دیگر نیست، بلکه کانون ارزش‌ها و باورهای همسانی است که همه مسلمانان را به یگانگی می‌خواند؛ همان چیزی که انقلاب ایران برای آن روی داد.» جماعت اخوان المسلمین اتهام کسانی که آنان را به تقلید از امام خمینی متهم می‌کردند، رد و اعلام کردند که هم‌چنان به برنامه‌های امام حسن البنا وفادارند.^۲

از دید خبرنگاران و تحلیلگران سیاسی، برخی سنبه‌های تأثیر انقلاب اسلامی ایران در مصر و زنده و نیرومند شدن جنبش اسلامی آن کشور به این شکل نمایان می‌شد که شعارهای مردم لا اله الا الله، محمد رسول الله، آیات قرآن و تصاویر آیت‌الله خمینی(ره) بود. با رویکردی که امام درباره آزادی قدس و مبارزه با اسرائیل در پیش گرفته بود، رویارویی انقلاب اسلامی با دولت مصر بسیار جدی شد. بدین سان، آن دسته از مردم مصر که از روند سازش مصر با اسرائیل ناخرسند بودند، به سمت ایران گرایش یافتند. نخستین موج‌های زنده شدن اسلام‌گرایی در مصر و ترور سادات و رویدادهای پس از آن، موجب پیدایش این باور شده بود که انقلاب اسلامی همه جا فراگیر خواهد شد.^۳

از آن هنگام میان گروه‌های اسلامی و بیشتر دین‌داران مصر تبلیغات ضد تشیع گسترش یافت. این تبلیغات مدعی بود شیعیان به سلف احترام نمی‌گذارند و الگو بودن گذشتگان را نمی‌پذیرند. این رویارویی حتی موجب شد از مطالعه بسیاری از کتب گذشتگان به این اتهام که شیعه یا منسوب به

۱. شیما بنی جمالی، «نگاهی به تأثیرات انقلاب اسلامی در کشورهای آفریقایی»، *خبرگزینی فارسی*، ۲۰ فروردین ۱۳۸۸.

۲. سایت الحوار الدینی، پیشین ۱۳۸۷.

۳. بنی جمالی، پیشین.

تشیع‌اند، خودداری شود. چند سال پس از انقلاب اسلامی ایران، حتی فعالیت جمعیت تقریب مذاهب باز ایستاد و سازمان‌های شیعی، از جمله جمعیت آل‌الایت، منحل شدند. عناصر اسلامی و برخی نویسندگان و استادان دانشگاه به اتهام تشکیل مجموعه‌ای جهادی با پشتیبانی مالی ایران دستگیر شدند. سازمان «شیعیان خمینی» که از سوی شیعیان مصر و اعراب بحرینی، کویتی و عراقی مقیم آن کشور تشکیل شده بود، در سال ۱۹۸۸ به ارتباط با حزب‌الله متهم و منحل شد. با انحلال این سازمان، دستگاه‌های اطلاعاتی کشورهای عرب در پی آن برآمدند از امکان نفوذ عناصر سازمان در کشورهای خود آگاهی یابند. مصر که در این برهه به علت بهبود روابط خود با رژیم صهیونیستی میان کشورهای اسلامی و عربی در انزوا قرار داشت، با بزرگ جلوه دادن خطر انقلاب ایران برای کشورهای منطقه کوشید ائتلافی با این کشورها علیه ایران ایجاد کند تا افزون بر بهبود روابط خود با کشورهای اسلامی، امواج خروشان انقلاب اسلامی ایران را هر چه بیشتر مهار کند.^۱ با آغاز دهه ۱۹۹۰ فشار بر شیعیان کاهش یافت و با پایان جنگ ایران و عراق بسیار کمتر شد.^۲

اما این به معنای آزادی عمل شیعیان نیست که نمونه آن، ادعای مصر مبنی بر کشف سازمان سری شیعیان در سال ۱۹۹۶ است. بنا بر گزارش روزنامه *الخلیج*، در اکتبر ۱۹۹۶، نیروهای امنیتی مصر، ۵۵ تن از رهبران سازمانی را که آن را یک سازمان سری شیعیان می‌نامیدند، دستگیر کردند. آنان مدعی بودند این سازمان فعالیت‌هایی گسترده در پنج استان کشور داشته است. دستگاه اطلاعات و امنیت مصر از آغاز سال ۱۹۹۶ این سازمان پنهان را شناسایی کرده بود و همه تحرکات سازمان، رهبران و فعالیت‌های آنان را زیر نظر داشت. به گفته دستگاه‌های امنیتی، این سازمان می‌کوشید نیروهای تندرو را جذب کند تا بتوانند نظامی مانند نظام ایران را در مصر جایگزین کنند. این گروه با پخش کتاب و نوار به گسترش و تبلیغ اندیشه‌های خود می‌پرداخت. دستگاه امنیتی مصر ۹ نفر را در استان‌های قاهره، جیزه، شرقیه، دقهلیه و غربیه دستگیر کرده بود که مهم‌ترین آنان حسن محمد شحاته موسی بود که در این سازمان نقش اساسی داشت.^۳

۱. سایت *الحوار الدینی*، پیشین.

۲. وردانی، *الحوار الدینی*، پیشین، صص ۱۰۵ و ۱۷۳ - ۱۷۱.

۳. سایر افراد دستگیرشده بدین شرح‌اند: حسین علی حسین الضرعامی (بازرگان)، سید علی حسین الضرعامی (راننده)، احمد راسم امین النفیس (پزشک)، محمد احمد ابوالعلا (بیکار)، ابراهیم احمد ابوالعلا (کارمند)، سمیر انور الکاشف

بررسی تمدن اسلامی در شمال آفریقا سه ویژگی پراهمیت این منطقه را آشکار می‌کند:

نخست آنکه بیشتر مردم این منطقه به زبان عربی سخن می‌گویند و بیشتر عرب‌زبانان مسلمان‌اند، بنابراین، دین بیشتر مردم شمال آفریقا اسلام است. از میان شاخه‌های فقهی تسنن، مذهب مالکی بیشترین پیروان را در شمال آفریقا دارد و بیشتر کشورهای مغرب عربی (بیش از ۹۰ درصد جمعیت کشورهای مغرب عربی) به مذهب مالکی پای‌بندند.^۱

دومین ویژگی شمال آفریقا آن است که همه کشورهای کنونی واقع در این منطقه، در گذشته شیعه بوده‌اند. بر خلاف بسیاری کشورهای شیعه کنونی که پیش از این، در حکومت‌های سنی (مثل امویان، عباسیان و عثمانیان) زیسته‌اند، شمال آفریقا از سده‌های آغازین ظهور اسلام، از مناطق حاکمیت شیعیان در سده‌های اولیه اسلام (به ویژه در دوره فاطمیان) بوده است. بعدها با روی کار آمدن ایوبیان (صلاح‌الدین ایوبی) مذاهب اهل سنت در این منطقه رواج یافتند. با توجه به پیشینه دیرین حضور تشیع در شمال قاره آفریقا، بررسی این موضوع - ورود شیعیان هاشمی از عراق و حجاز به آفریقا - و وضعیت کنونی شیعیان اهمیت دارد.

ویژگی سوم این منطقه، وجود دانشگاه الازهر است. جامع الازهر قطب نظریه‌سازی و پرورش اندیشمندان جهان عرب و اسلام است. شاید بتوان گفت رهبری فکری جهان عرب - اسلامی در الازهر قرار دارد، زیرا نظریه‌پردازی سیاسی جهان عرب - اسلامی تحت تأثیر جریان‌های فکری - اندیشگی مصر است. افزون بر آن، شماری از مشهورترین دانشگاه‌ها و کانون‌های فکری جهان عرب در این منطقه واقع شده‌اند. بنابراین، اندیشه‌پردازان مشهور و تأثیرگذاری از این منطقه برخاسته‌اند.

مصر به دلایل یادشده، به طور بالقوه بسترهای اعمال قدرت نرم جمهوری اسلامی ایران را دارد. عوامل قدرت نرم در منطقه یعنی پیشینه تاریخی حضور شیعیان و حکومت‌های شیعی در این منطقه، نظام جامع آموزشی که بر کل منطقه تأثیر می‌گذارد و اسلام به عنوان یک فرهنگ، آیین

(آموزگار)، محمود رجب احمد بخیت (بازرگان)، سالم مصطفی السید الصباغ (کارمند) (گزارش رایزنی ایران در دوحه، ۱۳۷۵، به نقل از روزنامه *الخليج*، ۲۲ اکتبر ۱۹۹۶)
 ۱. علی الشابی، (الاستاذ بكلية الشريعة و اصول الدين)، الصراع المذهبي بافریقة الى قيام الدولة الزيرية، الجامعة التونسية: الدار التونسية للنشر، ۱۹۷۵م/ ۱۳۹۵ق.

صدور ارزش‌ها و اخلاق، و مکتب سیاست‌ساز و تأثیرگذار بر فضای بین‌الملل، مصر را به هدفی مناسب برای دیپلماسی فرهنگی ایران تبدیل کرده است. بنابراین، تدوین دیپلماسی فرهنگی جمهوری اسلامی ایران به ویژه با بررسی اسلام و تشیع در شمال افریقا حتی در سرتاسر افریقا در گرو بررسی رویدادهای مصر است. از سوی دیگر، جهت‌گیری‌های سیاسی و دینی دولت و جامعه مصر در برابر شیعیان، بر همه رخدادهای دینی و سیاسی افریقا تأثیر دارد، حتی وضعیت شیعیان را به طور کلی در سایر مناطق افریقا تعریف می‌کند. تحلیل فشرده‌ای از وضعیت شیعیان در مصر با توجه به داده‌هایی که در این گزارش گردآوری شده است، در زیر می‌آید:

مصر به عنوان یکی از مهم‌ترین کشورهای جهان اسلام محل رویارویی آرای مسلمانان است و به علت فعالیت سلفیان در این کشور، برخوردهای زیادی با شیعیان صورت می‌گیرد. در عین حال، مصر از زمینه‌های فراوانی برای فعالیت مسالمت‌آمیز برخوردار است. افزون بر شرایط فرهنگی، فکری و تاریخی، نهادهای دانشگاهی و علمی این کشور از ظرفیت‌ها و توانمندی‌های فراوانی برخوردارند. جست‌وجو در پایگاه جامع کتابخانه‌های دانشگاهی مصر (اتحاد مکتبات الجامعات المصریه)^۱ مجموعه خوبی از کتب شیعی در دسترس قرار می‌دهد، اما درباره وضعیت کنونی شیعیان یا کتاب‌های غیردینی از شیعیان (برای نمونه در حوزه‌های فرهنگی، اجتماعی، سیاسی، معماری و...) منبعی در اختیار پژوهشگر نمی‌گذارد. به نظر می‌رسد نگرش‌ها به شیعیان رنگ و بوی دینی - عقیدتی دارد و همین مسأله سرچشمه چالش و ناهمسازی است. یکی از موانع اصلی دیپلماسی فرهنگی جمهوری اسلامی ایران در مصر همین ناهمسازی عقیدتی است که به بنیان دیپلماسی تدوینی ایران آسیب وارد می‌کند. این آسیب هنگامی که در کنار دیپلماسی پراکنده‌گوی جمهوری اسلامی قرار می‌گیرد که در هر دولتی بخشی از اصول حتی بنیان‌های آن تغییر می‌کند، به چالشی اصلی در رابطه فرهنگی ایران و مصر و در نتیجه رابطه سیاسی دو کشور تبدیل می‌شود. از سوی دیگر، در رقابت‌های میان گروهی و میان فردی یا سازمانی در مصر از تشیع یا دین به طور کلی به عنوان ابزاری برای متهم کردن رقیب استفاده می‌شود. برای نمونه، محمد الدربنی، رهبر شورای عالی پشتیبانی از اهل بیت(ع)، گاه رویکردهای متمایل به جمهوری اسلامی دارد و

1. <http://www.eulc.edu.eg/eulc>

گاه دشمنانش به او اتهام پشتیبانی از منافع ایران در مصر می‌زنند. صالح وردانی که مدتی گرایش نیرومندی به همسویی با ایران داشت، مدعی شد از جمهوری اسلامی ایران به عنوان رهبر شیعیان جهان ناامید شده است. در گزارش کنسولگری جمهوری اسلامی ایران آمده است که به درخواست وردانی برای کمک ایران به دارالبدایه پاسخ منفی داده شده، زیرا از یک سو، اهداف وی ناآشکار است و از سوی دیگر، حجت‌الاسلام خسروشاهی، رایزن فرهنگی ایران در مصر، با فعالیت‌های تندروانه و جنجال‌برانگیز شیعیان مصر موافق نیست. به نظر خسروشاهی، وردانی در چند سفر پایانی خود به ایران نتوانسته است پشتیبانی‌های لازم را برای فعالیت‌هایش جذب کند، بنابراین، به دنبال منابع جدیدتری است. به باور رایزن فرهنگی ایران: «سیاست جمهوری اسلامی بر جذب همه لایه‌های جامعه مصر تأکید دارد و دامن زدن به فعالیت‌های تندروانه که توسط چنین اشخاصی صورت می‌گیرد، و بیان این مطالب نزد افکار عمومی و روزنامه‌ها به طور گسترده پیامدی جز حساس شدن اندیشه‌های دولت‌مردان و مردم سنی مذهب مصر نخواهد داشت.» بنا به نظر رایزن فرهنگی ایران، بعید نیست سخنان اخیر شیخ قرضاوی، امام جمعه قطر، مبنی بر مخالفت خود با فعالیت‌های جمهوری اسلامی ایران و گسترش مذهب شیعه در مصر و الجزایر در واکنش چنین فعالیت‌هایی بیان شده باشد. به نظر می‌رسد ضمن رعایت جوانب احتیاط، نباید مطالبی له یا علیه این‌گونه اشخاص در کشور ما گفته شود.^۱ تغییر آیین دوباره صالح وردانی به وهابیت، درستی گفته‌های رایزن فرهنگی ایران را آشکار کرد.

پیشینه سلفی برخی نو شیعیان یا پیشینه تندروانه برخی از آنان، بستر فعالیت‌های تندروانه در قالب تشیع را فراهم می‌سازد، از این رو، نام تشیع در مصر و شمال آفریقا ملازم تندروی و فعالیت‌هایی در راستای منافع ملی سایر کشورها (از جمله جمهوری اسلامی ایران) تصور می‌شود. این یکی از آسیب‌های مهمی است که قدرت نرم ایران را در مصر به چالش می‌کشد. برای گسترش تشیع یا اثبات حقانیت آن باید راه سودمندی یافت. مبارزه به زیان ما است. تقیه از اصول اساسی تشیع است که امامان بدان پای‌بند بودند. بنابراین نباید بیشتر از امامان ره جست. در چارچوب دیپلماسی فرهنگی تدوینی (کنونی) و توسعه‌ای (آینده) جمهوری اسلامی ایران لازم است راهبردهای مبتنی بر قدرت نرم

تعریف شوند تا بیشترین دستاوردهای فرهنگی را در درازمدت تأمین کنند.

اصلی‌ترین چالش فرهنگی نرم در مصر تضاد دو دیدگاه تندرو (سلفی) و میانه‌رو درباره حدود و ثغور حضور اسلام در عرصه جامعه است. در هر دو سطح دانشگاهیان و همه مردم، افرادی که به یکی از این جریان‌ها تعلق داشته باشند، یافت می‌شوند. جمهوری اسلامی ایران می‌تواند برای توسعه منافع تشیع روی اندیشه‌ها و جریان‌های میانه‌رو، سرمایه‌گذاری فرهنگی انجام دهد. به علت حضور باستانی ایرانیان در مصر (مصر یکی از ایالت‌های امپراتوری‌های ایرانی پیش از اسلام بوده است) و با توجه به پیشینه دیرین تشیع در این دیار، ایران می‌تواند با در پیش گرفتن راهکارهای میانه‌رو و برنامه‌ریزی‌شده برای ایجاد روابط مسالمت‌آمیز و تقویت بنیان‌های قدرت نرم‌پایه گام بردارد. این کوشش‌ها باید پس از مطالعه دقیق این سرزمین و جامعه‌شناسی فرهنگی سیاسی - اجتماعی مصر و شمال آفریقا انجام گیرد. روشن است برای رسیدن به این هدف باید از کارشناسان تاریخ، جامعه‌شناسی، فرهنگ، هنر و ... یاری جست و زمینه‌های پژوهش‌های هدفمند، یکپارچه و درازمدت را پدید آورد. در این راستا پژوهش کنونی در تلاش است با بررسی برخی ابعاد اجتماعی - فرهنگی زندگی شیعیان در جامعه مصر و شناسایی گوشه‌هایی از تاریخ تشیع در این کشور، زمینه فرایندهای تصمیم‌ساز را فراهم سازد.

تقویت منابع قدرت نرم شامل اعتبار نیک، پیشینه و حضور تاریخی، سرمایه‌گذاری بر نظام آموزشی - پژوهشی، نظام ارزش‌ها و اخلاق، صادرات فرهنگی تأثیرگذار بر عموم مردم، پخش ارزش‌های سیاسی مردم‌پسند و غیرحساسیت‌زا برای دستگاه دولتی و نظام ارزشی جامعه، تعریف و تدوین دیپلماسی فرهنگی و نفوذ در فضای بین‌المللی برای پیشبرد منافع ملی جمهوری اسلامی ایران در منطقه بایسته است. همه این مهم تنها هنگامی امکان‌پذیر است که منابع قدرت نرم در چارچوب یک دیپلماسی فرهنگی جامع تعریف شود. در فضای بین‌المللی کنونی، تکیه بر فرهنگ مؤثرترین روش عمل موفق است. با توجه به حساسیت‌های موجود در روابط ایران - مصر، به نظر می‌رسد تأکید بر فرهنگ جدی‌تر و زیربنایی‌تر باشد. دیپلماسی فرهنگی جمهوری اسلامی ایران باید با بهره گرفتن از منابع قدرت نرم، این سرمایه‌گذاری فرهنگی را به طور جدی دنبال کند. از این رو هر فعالیتی که احتمال دارد به اعتبار ایران لطمه بزند، باید از دستور کار خارج و با

فعالیت‌هایی مانند آن مقابله شود. اعتبار، اساس قدرت نرم و دیپلماسی فرهنگی موفق در فضای سیاسی بین‌المللی است. باید از هر روشی برای نشان دادن پیشینه همسوی دو کشور استفاده کرد. بهره بردن از روش‌های غیرمستقیم که حساسیت‌انگیز نباشد، تنها روش زنده داشتن میراث مشترک گذشته است. بهترین شیوه، همکاری دانشگاهی، پژوهشی، ورزشی، اقتصادی، موسیقی و هنر و برپایی آیین‌های فرهنگی چون نوروز و عیدها و جشن‌های اسلامی است. این روش‌ها، نظم ارزشی و اخلاقی مردم‌دارانه‌ای عرضه می‌کند که امکان صدور فرهنگ‌های مؤثر بر مردم را فراهم می‌سازد. سیاست خارجی برنامه‌ریزی شده و بهره‌گیری از فرصت‌های عرصه بین‌الملل این برنامه‌ها را پشتیبانی می‌کند، و ضامن اجرایی آنهاست.

شاید مصر حساس‌ترین و سرنوشت‌سازترین منطقه‌ای باشد که آینده فعالیت‌های شیعی در گرو آن است. مصر به دلایل زیادی در شاهراه ارتباطات جهان اسلام قرار دارد و کانون صادرات فکری - نظری جهان اسلام است. از دیرباز تا به امروز همه حوزه‌های علمی و دینی در جهان اسلام از رویدادهای مصر متأثر است. حتی وهابیت پس از آنکه در محافل علمی و دینی مصر به ویژه در الازهر مورد پذیرش برخی دانشمندان و عالمان سلفی قرار گرفت، راه را برای گسترش در جهان اسلام هموار دید و به گونه‌ای از مشروعیت علمی - دینی برخوردار شد. به همین شیوه وهابیت توسط دانشجویان بین‌المللی دانشگاه‌های مصر در جهان اسلام گسترش یافت. بنابراین، چگونگی رفتار مصر با تشیع و چگونگی برخورد شیعیان و کشورهای پشتیبان آنها با مصر در سرنوشت شیعیان بسیار تأثیرگذار خواهد بود.

اگرچه مصر محل برخورد تندروترین آرای اسلامی با میانه‌روترین و لیبرال‌ترین اندیشه‌های اسلامی است و مسلمانان میانه‌رو یا مسلمانان بسیار لیبرال در این سرزمین بسیارند، اما نهادهای دینی و دولتی برای حفظ سیمای مشروع خود در جهان اسلام، معمولاً به گروه‌ها و جریان‌های تندرو سلفی و حتی وهابی مجال فعالیت می‌دهند و از گسترش رسمی گروه‌های ناهمگون با فرهنگ دولتی - رسمی جهان اسلام جلوگیری می‌کنند. شیعیان از جمله گروه‌های مغضوب دولت در مصر هستند. اگر مصر را با کشورهایمانند تونس و مغرب که ادعای آزادی و لیبرال دموکراسی دارند یا لیبی، چاد و الجزایر که نظام سیاسی آنها بسته و گاه استبدادی است، مقایسه کنیم،

تفاوت‌ها را خواهیم دید. شیعیان در هیچ‌یک از این کشورها امکان فعالیت ندارند و حتی در بسیاری مناطق جرأت ندارند اظهار تشیع کنند. هر چند دولت مصر در سیاست‌های رسمی خود آشکارا اعلام می‌کند با فعالیت شیعیان مخالف است و علمای سلفی و وهابی به صورت مداوم علیه شیعیان سخن می‌گویند، با این حال، جامعه مصر دارای فضای متنوع و متکثر و نسبتاً آسان‌گیرتری است، از این رو، شیعیان امکان تشکیل گروه‌های اجتماعی و فعالیت دارند. در مقایسه می‌توان به ماجرای نمایشگاه کتاب سودان اشاره کرد که در آن سلفی‌ها و وهابیان سودانی کتاب‌های شش ناشر شیعی شرکت‌کننده در نمایشگاه را روی زمین ریختند و جنجالی پدید آوردند که در نتیجه آن همه علمای اهل سنت سودان علیه فعالیت‌های شیعیان در سودان و چاپ و نشر کتاب، لوح فشرده و نشریات شیعی کتباً اعتراض کردند. در نهایت، دولت وارد عمل شد و فعالیت‌های انتشاراتی شیعیان را ممنوع و از ورود کتاب‌ها و منابع شیعی جلوگیری کرد؛ در حالی که رویکردهای شیعی در سودان چنان نیرومند است که می‌توان این کشور را دارای بیشترین ظرفیت برای انتشار منابع شیعی در مناطق دیگر دانست. حال در مقایسه سودان با مصر، می‌بینیم که در مصر با وجود چنین مخالفت‌ها و حتی آشوب‌های نمایشگاه‌های سالانه کتاب، همچنان چاپ و نشر کتاب‌های شیعی ادامه دارد.

مخالفت‌های سالانه علمای ضد شیعه در فضای اجتماعی پرشکاف مصر راه به جایی نمی‌برد و فعالیت‌های شیعیان هرچند به صورت کژدار و مریز ادامه دارد. می‌توان با برنامه‌ریزی مبتنی بر شناخت جامعه‌شناختی از مصر الگویی برای فعالیت در این کشور پی ریخت که بادوام، کم هزینه، دارای کمترین دامنه آسیب‌ها، با بیشترین ارزش افزوده فرهنگی و در راستای منافع ملی جمهوری اسلامی ایران و منافع عمومی جامعه جهانی شیعیان باشد. رسیدن به این مهم تنها در پرتو شناخت نظام‌مند و تجربی جامعه مصر و برنامه‌ریزی‌های بلندمدت و بنیانی امکان‌پذیر است. بنابراین، ایران باید یک دیپلماسی جامع فرهنگی تدوین کند که کلیات آن مشخص و ریزه‌کاری‌ها و سیاست‌های جزئی برای بخش‌های گوناگون دنیا در آن روشن باشد. بهره‌گیری از توانمندی‌های دانشگاهی یکی از ابزارهای زیربنایی برای رسیدن به این اهداف است. دانشگاه در جوامع امروز، به ویژه در جوامعی چون مصر و ایران، دارای بیشترین توانمندی برای تأثیر بر هسته‌های فکری و اجرایی جامعه است. این هسته‌های فکری و اجرایی برنامه‌های عمومی راهبر گروه‌ها و سازمان‌های اجتماعی کشور را

شکل می‌دهند و رویکرد آنها را جهت‌دهی می‌کنند. بنابراین باید در برنامه‌ریزی‌ها برای آینده این اصول را مد نظر قرار داد.

فعالیت‌های فرهنگی شیعی در مناطق شمالی افریقا، به ویژه مصر با دو آسیب جدی روبه‌رو است: نخست آنکه پس از انقلاب اسلامی ایران، این شائبه در محافل اهل سنت به وجود آمده که فعالیت‌های شیعی برای تأمین منافع جمهوری اسلامی ایران انجام می‌شود^۱ یا تشیع سیاسی در نهایت خواستار پیوستن به ساختار حکومتی و حقوق سیاسی - اجتماعی است. شخصیت‌ها، نشریه‌ها، سازمان‌ها و حرکت‌های تندرو نیز به این توهّم دامن می‌زنند. دومین آسیب، مسأله‌ای داخلی است و از درون خود شیعیان فعال بر می‌خیزد. اگر به پیشینه برخی گروندگان به این آیین در کشورهای سنی مذهب بنگریم، می‌بینیم که آنان از مسلمانان سخت‌گیر و پر شور و شری بوده‌اند که در نتیجه کوشش فکری و عملی، واقعیت‌های تشیع را پس از راه طولانی مبارزه کشف کرده‌اند. پیشینه تندروانه آنان (برخی از این نو شیعیان در گذشته وهابی یا سلفی بوده‌اند یا چند بار تغییر مذهب داده‌اند) نشان از شخصیت پرشور آنان دارد و در فعالیت‌های شیعی نیز از برخوردهای تندروانه نمی‌هراسند. برای نمونه یکی از شیعیان مصر با بیان اینکه «جامع الازهر از آن شیعیان است و باید به آنان بازگردانده شود»، درگیری‌های لفظی شدید به ویژه در نشریات، دانشگاه‌ها و شبکه‌های تلویزیونی پدید آورد که به تنش در روابط شیعیان با دستگاه‌های عمومی و دولتی انجامید. متأسفانه برخی از آنان نیز در موارد لزوم از نام جمهوری اسلامی ایران بهره می‌برند و هرگاه احتمال دوستی با ایران برای آنان خطرناک است، بر ایران می‌تازند. بنابراین بایسته است مجموعه‌هایی که با نام یا با پشتیبانی دولت جمهوری اسلامی ایران در مصر و شمال افریقا فعالیت می‌کنند، از قواعدی ویژه پیروی کنند و برنامه کاری آنها در چارچوب آشکاری تعریف شود و نظارت یگانه‌ای بر این کنش‌گران انجام گیرد.

بدین سان براساس فرضیه مقاله، ایجاد رابطه استوار میان ایران و مصر در گرو تعریف دیپلماسی جامع فرهنگی است که بتواند بسترهای اجتماعی - فرهنگی را شناسایی کند و پشوانه آن سرمایه‌گذاری

۱. باکینام الشرقاوی، «روابط ایران و مصر»، ترجمه سید محمد بجنوردی، فصلنامه *خاورمیانه*، س ۷، ش ۴، زمستان

چندجانبه با محوریت مهندسی فرهنگ اجتماعی جامعه مصر بدون برانگیختن حساسیت‌های سیاسی و دینی باشد.

نتایج و پیشنهادها

به طور خلاصه، از آنجا که انجام امور فرهنگی در قالب آموزه‌های تشیع در کشورهای اهل سنت، تنش‌زاست و چه بسا پیامدهای زیان‌بار آن بر جهان شیعه بیش از آثار سودمند آن باشد، باید موارد زیر در دیپلماسی فرهنگی جمهوری اسلامی ایران مورد توجه قرار گیرد:

- قاره افریقا یکی از مناطق هدف برای فعالیت وهابیان است. وهابیان با روش‌های گوناگون مانند کمک‌های اقتصادی، بنیان نهادن مراکز آموزشی - فرهنگی و عام المنفعه (وهابیت بیش از هزار مرکز علمی در افریقا تأسیس کرده است)، تربیت نیروهای بومی، جذب افراد توانمند و فرستادن آنان به دانشگاه‌های عربستان، چاپ و نشر و ترجمه کتاب و قرآن و برگزاری همایش‌ها خود را معرفی می‌کنند. رقابت دانشگاه‌های واقع در عربستان (دانشگاه ام القری و دانشگاه اسلامی مدینه و دانشگاه اسلامی آل سعود در ریاض) با الازهر بر سر رهبری فکری - دینی جهان اسلام از علل دیگر جذب شدن وهابیان و سرمایه‌هایشان به این منطقه است. همان‌گونه که اشاره شد، یکی از پایه‌های قدرت نرم جمهوری اسلامی ایران تکیه بر توانمندی‌های دانشگاهی است. از این رو، باید برنامه‌های هوشمندانه‌ای برای گسترش همکاری علمی - پژوهشی و فرهنگی به ویژه با محوریت نیازهای منطقه، دوری از حساسیت‌های منطقه‌ای و گسترش ارزش‌ها و باورهای مورد تأیید ما، در چارچوب منافع ملی ایران با ابزار فرهنگی (نه عقیدتی یا تبلیغی) انجام گیرد. از آنجا که سلفی‌گری در افریقا (به ویژه در مصر) جایگزین مناسبی برای نظریه‌های وهابی است و به طور آشکار، سلفی‌گری بسیار ریشه‌دارتر از وهابیت و بسیار پذیرفته‌شده‌تر از آن است، باید برنامه‌های فرهنگی برای نفوذ یا تأثیرگذاری بر این جریان تدارک دیده شود. دانشگاه زیتونیه در تونس، دانشگاه قرویین در مغرب و دانشگاه بین‌المللی اسلامی در سودان از دانشگاه‌های بزرگ جهان اسلام هستند که دانشجویان مسلمان را جذب می‌کنند و از کانون‌های نظریه‌سازی و نظریه‌پردازی در جهان اسلام عربی به شمار می‌روند. باید مجموعه‌های دانشگاهی جمهوری اسلامی ایران که در

زمینه مسائل اسلامی فعالیت می‌کنند با این سه دانشگاه تعامل فکری، علمی و پژوهشی داشته باشند و در زمینه مبادله دانشجو و استاد همکاری کنند.

- فعالیت‌های یک بعدی موجب حساسیت کشورها و آسیب‌پذیری فعالان شیعی می‌شود. باید در برنامه‌ریزی برای فعالیت‌های فرهنگی، بسترهای سیاسی، اقتصادی و اجتماعی آنها نیز در نظر گرفته شود. برای نمونه، انجام فعالیت‌های صرفاً اقتصادی و یکجانبه از سوی اروپاییان این ذهنیت منفی را میان افریقاییان برانگیخته است که اروپاییان در حال غارت افریقا هستند. اروپاییان برای از میان بردن چنین باورهایی، کوشش کرده‌اند بافت فرهنگی و باورهای دینی افریقا را غربی و مسیحی کنند. فعالیت‌های یکجانبه برای تغییر آیین‌ها و ادیان نادرست و باطل یا تشویق شیعیان، هم فعالان این زمینه را با آسیب‌های جدی روبه‌رو می‌کند و هم به اتهام‌های غربی‌ها و وهابیان مبنی بر اینکه شیعیان با پشتیبانی ایران قصد ایجاد تنش در مناطق سنی افریقایی را دارند، دامن می‌زند. این فعالیت‌ها نباید فقط فرهنگی و دینی باشد بلکه باید بسترهای اقتصادی، سیاسی و اجتماعی آن نیز در نظر گرفته شود. قدرت نرم قدرتی چند بعدی است که روبنای آن فرهنگ و زیربنای آن ایدئولوژی است. ابزار کارکردی آن نیز اقتصاد موفق و پایدار است. به سخن روشن‌تر، سرمایه‌گذاری‌های اقتصادی در کشورهایی چون مصر به عنوان ابزاری مناسب برای نیرومند کردن حضور شیعیان، سودمند خواهد بود و زمینه‌ها را برای دیپلماسی فرهنگی ساختارمند فراهم می‌کند.

- ایجاد مناطق نفوذ یا کشورهای متحدی که با ایران روابط دوجانبه اقتصادی و سیاسی داشته باشند، در مناطق گوناگون موجب نیرومند شدن حرکت‌های شیعی و ایرانی خواهد شد. در این راستا باید کشورهایی به عنوان هدف در نظر گرفته شوند. مصر هدفی مناسب برای سرمایه‌گذاری‌های سیاسی - فرهنگی است. برخی زمینه‌های فعال شدن دیپلماسی فرهنگی نرم‌پایه ایران در مصر به طور بالقوه وجود دارد. در صورتی که تنها بخشی از برنامه‌های فرهنگی مد نظر در مصر با موفقیت اجرا شود، به اندازه موفقیت‌های بزرگ در سایر مناطق خاورمیانه ارزشمند است. تمرکز بر فعالیت‌های غیرچالش‌زا و امتیازآور هم‌چون استفاده از نهادهای مدرن و مشارکت‌جو مثل دانشگاه‌ها برای برقراری ارتباط با نظام دانشگاهی پیشرفته و پویای مصر بسیار سودمند خواهد بود. از آنجا که مصر قطب نظریه‌پردازی در جهان اسلام است، برقراری ارتباط میان کانون‌های علمی

دو کشور موجب نیرومند شدن ساختار همکاری‌های ایران و مصر خواهد شد. تأکید قدرت نرم بر بسترسازی و مثبت کردن ذهنیت‌ها و اندیشه‌هاست و این مهم، بیش از هر چیز از عهده طبقه/قشر روشن فکر و اندیشمند جامعه برمی‌آید. همچنین همکاری با این کشور در برخی زمینه‌ها مانند صنایع سبک و سنگین، صادرات و واردات مواد خام و ساخته شده، یا صنعت گردشگری موجب ایجاد زمینه‌های همکاری دوجانبه در امور دیگر، به ویژه امور دینی و فرهنگی خواهد شد و زمینه‌های استواری دیپلماسی فرهنگی نهادینه را فراهم می‌کند.

در پایان باید یادآور شد تاریخ روابط خارجی ایران و مصر نشان داده است که همواره متن روابط دو کشور سیاسی بوده و پس‌زمینه روابط دوستانه یا غیردوستانه میان دستگاه سیاست خارجی دو کشور، سرنوشت سایر جنبه‌های ارتباطات خارجی ایران و مصر مانند فعالیت‌های فرهنگی را تعیین می‌کند.